

رابطه سرمایه فرهنگی و مهارت حل مسئله در بین دانشجویان

سیروس احمدی^۱ * مریم درفشان^۲

چکیده

هدف اساسی مقاله حاضر، بررسی رابطه سرمایه فرهنگی و مهارت حل مسئله در بین دانشجویان است. پژوهش حاضر از نوع همبستگی و مبتنی بر تحلیل ماتریس کواریانس است. جامعه آماری، دانشجویان دانشگاه یاسوج هستند که ۳۵۷ نفر به عنوان نمونه تعیین و با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی چندمرحله‌ای خوشه‌ای انتخاب شدند. ابزار سنجش مهارت حل مسئله، مقیاس حل مسئله اجتماعی درزیلا و همکاران (SPSI) و ابزار سنجش سرمایه فرهنگی، مقیاس سرمایه فرهنگی خدادادی و نطنزی (CCS) است. بر اساس یافته‌های تحقیق، رابطه مثبت و معناداری بین سرمایه فرهنگی و مهارت حل مسئله وجود دارد و طی آن، سرمایه فرهنگی قادر است ۲۸ درصد از واریانس مهارت حل مسئله را تبیین کند. بنابراین با افزایش سرمایه‌گذاری فرهنگی در دانشگاه‌ها و افزایش سرمایه فرهنگی دانشجویان، می‌توان مهارت حل مسئله به عنوان یکی از نیازهای اساسی آنان را ارتقا بخشید.

واژگان کلیدی: سرمایه فرهنگی، مهارت حل مسئله، حل مسئله اجتماعی، دانشجویان و دانشگاه یاسوج.

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی • سال سوم • شماره نهم • زمستان ۹۲ • صص ۱۵۱-۱۳۵

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۶/۲ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۲/۹/۹

۱. دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه یاسوج، نویسنده مسئول (Sahmadi@yu.ac.ir).
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شیراز (dorfshan@yahoo.com).

مقدمه

در نتیجه توسعه سریع فناوری و گسترش بی سابقه علوم، زندگی اجتماعی هر روز پیچیده تر شده و انسان‌ها در فرایند زندگی روزمره با مسئله‌های بیشتری مواجه می‌شوند. مسئله، موقعیتی است که فرد در مواجهه با آن نتواند با استفاده از اطلاعاتی که در آن لحظه در اختیار دارد، به سرعت پاسخ مناسب دهد (D'Zurilla et.al, 2004). مسئله‌ها دامنه بسیار وسیعی را در بر می‌گیرند با این حال، بر حسب میزان دقت، می‌توان مسئله‌ها را به دو گروه عمده تقسیم‌بندی کرد: نخست، مسئله‌هایی که به‌طور کامل تعریف شده‌اند. در این گونه مسئله‌ها، هدف به‌طور روشن بیان شده، اطلاعات لازم برای حل مسئله در دسترس قرار دارند و معمولاً یک راه حل درست برای آنها وجود دارد. مسائل علمی از این نوع هستند. دوم، مسئله‌هایی که به‌طور کامل تعریف نشده‌اند. در این گونه مسئله‌ها، هدف کاملاً روشن نیست، اطلاعاتی که برای حل مسئله لازم است، در دسترس نیستند و برای حل آنها بیش از یک راه حل وجود دارد (سیف، ۱۳۸۶: ۳۷۵). مسئله‌های زندگی واقعی که برای همه افراد پیش می‌آیند، معمولاً از این نوع هستند. با توجه به پیچیدگی زندگی اجتماعی، وقوع مسئله امری طبیعی است، اما آن چه از اهمیت برخوردار است، مواجهه منطقی با مسئله و حل آن است. انسان‌ها در مواجهه با مسئله، از الگوهای مختلفی استفاده می‌کنند. حالت مطلوب مواجهه با مسئله، این است که ابتدا مسئله به‌طور دقیق تشخیص داده شده و تعریف شود و سپس راه حل‌های مختلف بررسی و راه حل مناسب کشف گردد، به سرعت دست به عمل زده شود و در نهایت اقدامات انجام شده مورد ارزیابی قرار گیرد. اما بسیاری از افراد قادر به چنین فرایندی نیستند. مهارت حل مسئله، یک مهارت اساسی برای زندگی در جامعه کنونی است و هر کسی به آن نیاز دارد. به زعم مک‌کین^۱ (۲۰۰۵) مهارت حل مسئله، نیاز اساسی قرن حاضر است و نظام‌های آموزشی باید دانش‌آموزان و دانشجویان را به مهارت

1. MacCaine

حل مسئله مجهز کنند. پروکتور^۱ (۲۰۱۰) توانایی حل مسئله را برای همه به ویژه آنهایی که باید به طور مرتب تصمیم گیری کنند، ضرورتی بنیادی می داند. دانشجویان، به دلیل گذراندن دوره های آموزشی و پژوهشی از یک سو و اقتضای سنی از سوی دیگر، بیش از دیگران در معرض مسئله قرار دارند و نیازمند مهارت حل مسئله هستند. دانشجویان، مدیران و تصمیم گیران آینده جامعه هستند و هر چه توانایی حل مسئله در آنان بالاتر باشد، جامعه پویاتر خواهد بود. برخی مطالعات نشان می دهند که مهارت حل مسئله در بین دانشجویان در سطح متوسط است (بیانی و همکاران، ۱۳۹۱) و برخی پژوهش ها نشان داده اند این مهارت در سطح پایینی است (شهبازی و حیدری، ۱۳۹۱). بنابراین، هدف پژوهش حاضر این است که مهارت حل مسئله را در بین دانشجویان بررسی و رابطه سرمایه فرهنگی را با آن مورد بررسی قرار دهد.

۱. پیشینه تحقیق

بررسی رابطه سرمایه فرهنگی و مهارت حل مسئله کمتر مورد توجه قرار گرفته است. با این حال می توان از برخی پژوهش ها نام برد که کم و بیش به موضوع تحقیق حاضر مرتبط هستند.

بیانی و همکاران (۱۳۹۱) با بررسی رابطه بین توانایی حل مسئله اجتماعی با افسردگی و هراس اجتماعی در دانشجویان که بر روی ۴۰۳ نفر دانشجو انجام شد، نشان دادند که رابطه منفی و معناداری بین این متغیرها وجود دارد و طی آن هر چه توانایی حل مسئله اجتماعی بیشتر می شود، افسردگی و هراس اجتماعی کمتر می شود.

سیفی گندمانی و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی اثربخشی آموزش فلسفه به دانش آموزان بر توانایی حل مسئله در آنها پرداختند. نتایج این پژوهش که به روش آزمایشی و بر روی دختران دانش آموز انجام شد، نشان داد: برنامه آموزش فلسفه باعث افزایش استفاده از سبک حل مسئله مسئله مدار و کاهش سبک هیجان مدار می شود.

آهنگی و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهشی به بررسی رابطه تیپ های شخصیت با سبک های حل مسئله در بین کارکنان دانشگاه تهران پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد: هر چه افراد به لحاظ شخصیتی، برون گراتر، تفکری تر و قضاوتی تر باشند، احتمال بیشتری

1. Proctor

دارد که از سبک حل مسئله سازنده استفاده کنند.

پارک و جانگ (۲۰۱۰) با بررسی عوامل مؤثر بر توانایی حل مسئله در محیط آموزشی آنلاین که بر روی ۲۷۳ دانشجوی دوره کارشناسی دانشگاه ملی سئول در کره جنوبی انجام شد، نشان دادند: راهبردهای شناختی، راهبردهای فراشناختی، مهیا نمودن ابزار و منابع لازم و اعتماد به نفس، رابطه معناداری با توانایی حل مسئله دارند و البته قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده توانایی حل مسئله، راهبردهای شناختی است.

آدامز و کازمارسیک^۱ (۲۰۰۷) در پژوهشی که بر روی دانشجویان رشته مهندسی در پرتغال انجام شد، نشان دادند: رابطه معناداری بین توانایی حل مسئله و بروز خلاقیت وجود دارد.

برت (۲۰۰۵) با بررسی عوامل مؤثر بر توانایی حل مسئله در بین دانشجویان رشته‌های فنی در آمریکا نشان داد: ویژگی‌های شخصیتی رابطه معناداری با توانایی حل مسئله دارند و دانشجویانی که به لحاظ ویژگی‌های روانی، برون‌گراتر هستند، اعتماد بیشتری به توانایی حل مسئله دارند.

۲. مبانی نظری

حل مسئله به‌عنوان فرایندی شناختی و رفتاری که ناشی از کاربست دانش و مهارت‌ها برای رسیدن به هدف است (D'Zurilla & Goldfried, 1971; Slavin, 2006) کارکردهای بسیاری در حوزه‌های روانی و اجتماعی دارد. کاهش افسردگی (Tezel & Gozum, 2006)، افزایش خودکارآمدی (Warneck et al, 2001)، کاهش اضطراب امتحان (اکبری و همکاران، ۱۳۹۰)، کاهش جرایم (Schmerler et al, 2006)، کاهش بی‌نظمی (Weisburd & Eck, 1980)، امتناع از سوء مصرف مواد محرک (براتی و همکاران، ۱۳۹۰)، افزایش رضایت از زندگی (Bulut, 2007)، افزایش خودپنداره تحصیلی (زراعت و غفوریان، ۱۳۸۸)، افزایش توانایی تحصیلی (سعادت‌مند، ۱۳۸۱)، کاهش ناهنجاری‌های رفتاری (Rosenham & Seligman, 1989) و ارتقای خلاقیت (زارع و همکاران، ۱۳۸۹) تنها برخی کارکردهای مهارت حل مسئله هستند که در تحقیقات مختلف مورد تأیید قرار گرفته‌اند. مهارت حل مسئله همانند هر رفتار دیگری آموختنی و قابل یادگیری است (اسلاوین، ۱۳۸۹) و متأثر از عوامل مختلفی

1. Adams & Kaczmarczyk

است (Foshay, 2003; Mayer, 1998; Park & Jang, 2010). یکی از عوامل تأثیرگذار بر توانایی حل مسئله، سرمایه فرهنگی است (Lareau & Weininger, 2003; Sullivan, 2007) اما این رابطه به صورت تجربی به ندرت مورد بررسی قرار گرفته است.

بورديو^۱ (۱۹۷۷) جامعه‌شناس فرانسوی در اوایل دهه ۱۹۶۰ در بررسی موفقیت تحصیلی دانشجویان متوجه شد که بیش از عوامل اقتصادی، عادت‌واره‌های فرهنگی و خصلت‌های به ارث برده شده از خانواده، تأثیرگذار هستند. او نشان داد: علاوه بر سرمایه اقتصادی (پول و دارایی) انواع دیگری از سرمایه مانند سرمایه اجتماعی (منابع ناشی از عضویت در شبکه روابط فردی و گروهی)، سرمایه نمادین (منابع ناشی از حیثیت، احترام و قابلیت‌های فردی) و سرمایه فرهنگی (قدرت شناخت و قابلیت استفاده از کالاهای فرهنگی) نیز وجود دارند که بین افراد رد و بدل می‌شوند. به زعم بورديو (۱۹۸۶: ۴۷) سرمایه فرهنگی به سه شکل وجود دارد: ۱. سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته که بیانگر توانایی‌های بالقوه است، مانند مهارت زبانی، دانش فرهنگی، قدرت حافظه و غیره که اساساً قابل انتقال نیستند، ۲. سرمایه فرهنگی عینی که در تملک اختصاصی افراد قرار دارد، مانند کتب، تابلوهای نقاشی، آلات موسیقی و غیره که قابل انتقال به دیگران است و ۳. سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده، مانند مدارک و مدارج تحصیلی و حرفه‌ای که همچون سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته، قابل انتقال به دیگران نیست. از نظر بورديو، دانشجویانی که از سطوح بالاتر سرمایه فرهنگی برخوردارند، توان شناختی بالاتری دارند (Thornton, 1996; Ritzer, 2010) و قادرند ارتباطات مؤثرتری با معلمان به‌عنوان ارزیابی‌کنندگان اصلی نظام‌های آموزشی برقرار کنند و در نتیجه، موفقیت تحصیلی بیشتری به دست آورند.

تأثیر سرمایه فرهنگی بر موفقیت تحصیلی در تحقیقات متعددی مورد تأیید قرار گرفته (Jäger, 2011) و برخی پژوهشگران تأثیر آن را بر سایر پدیده‌های اجتماعی نیز مورد بررسی قرار داده‌اند (چلبی، ۱۳۷۵: Jeannotte, 2003). با توجه به نظریه بورديو، سرمایه فرهنگی باعث افزایش اطلاعات و توانایی شناختی می‌شود و افرادی که از اطلاعات و توانایی شناختی بالاتری برخوردار باشند، در مواجهه با مسئله، منطقی‌تر خواهند بود و توانایی بیشتری برای تشخیص و تعریف مسئله، بررسی راه حل‌ها، اقدام و ارزیابی دارا هستند، اما این رابطه به صورت مستند مورد بررسی علمی قرار نگرفته است. بر این اساس، با استناد به مباحث

1. Bourdieu

بوردیو می‌توان فرض کرد که بین سرمایه فرهنگی و مهارت حل مسئله رابطه معناداری وجود دارد و طی آن، هر چه سرمایه فرهنگی بیشتر شود، مهارت حل مسئله بیشتر می‌شود.

۳. روش شناسی

پژوهش حاضر روش از نوع همبستگی است که بر حسب هدف، مبتنی بر تحلیل ماتریس کواریانس است. جامعه آماری تحقیق، دانشجویان دانشگاه یاسوج هستند که تعداد آنها در سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ بالغ بر ۵۸۸۰ نفر شامل ۵۰۰۰ نفر کارشناسی، ۸۰۰ نفر کارشناسی ارشد و ۸۰ نفر دکتری بوده است. با توجه به تعداد کم دانشجویان دوره دکتری، این گروه از جامعه آماری حذف و تعداد جامعه آماری ۵۸۰۰ نفر در نظر گرفته شد. با استفاده از جدول نمونه‌گیری کرجسی و مورگان^۱ (۱۹۷۰) اندازه نمونه متناسب با جامعه آماری مذکور ۳۶۰ نفر است.

جهت انجام نمونه‌گیری از روش تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد. به این صورت که ابتدا چهار دانشکده (علوم انسانی، کشاورزی، علوم و فنی) بر اساس تعداد دقیق دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد شناسایی و اندازه نمونه، متناسب با تعداد جمعیت هر دانشکده تعیین شد. سپس در هر دانشکده ۷ رشته (در کل ۲۸ رشته) انتخاب و در هر رشته دو کلاس تخصصی (یک کلاس کارشناسی و یک کلاس کارشناسی ارشد) به‌عنوان نمونه انتخاب و در هر کلاس دوره کارشناسی با ۱۱ نفر و در هر کلاس دوره کارشناسی ارشد با ۲ نفر که تمایل به شرکت در تحقیق داشتند، مصاحبه انجام شد و اطلاعات لازم جمع‌آوری شد. در مجموع، ۳۶۴ پرسشنامه جمع‌آوری و با حذف ۷ پرسشنامه که به‌طور کامل تکمیل نشده بودند، ۳۵۷ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ابزار تحقیق جهت سنجش مهارت حل مسئله، مقیاس حل مسئله اجتماعی دزریلا و همکاران (۲۰۰۲) است که مشتمل بر پنج بعد جهت‌گیری منفی حل مسئله^۲، جهت‌گیری مثبت حل مسئله^۳، سبک اجتنابی حل مسئله^۴، سبک منطقی حل مسئله^۵ و سبک تکانشی

-
1. Krejcie & Morgan
 2. Negative problem orientation
 3. Positive problem orientation
 4. Avoidance style
 5. Rational problem solving

حل مسئله^۱ است. مقیاس حل مسئله اجتماعی دارای ۲۵ سؤال است و به روش پنج درجه‌ای لیکرت (از صفر تا ۴) نمره‌گذاری می‌شود. دامنه نمرات این مقیاس بین صفر تا صد است و خرده‌مقیاس‌های سازنده (سبک منطقی و جهت‌گیری مثبت) به صورت مثبت و خرده‌مقیاس‌های بدکارکردی (سبک اجتنابی، سبک تکانشی و جهت‌گیری منفی) به صورت منفی نمره‌گذاری می‌شوند. این مقیاس در ایران توسط بیانی و بیانی (۱۳۸۹) و مخبری و همکاران (۱۳۸۹) مورد استفاده قرار گرفته و ویژگی‌های روان‌سنجی آن بررسی شده است. در تحقیق حاضر محاسبه پایایی با استفاده از ضریب آلفا کرونباخ برای خرده‌مقیاس سبک منطقی حل مسئله (۰/۶۵)، سبک اجتنابی حل مسئله (۰/۸۲)، سبک تکانشی حل مسئله (۰/۵۱)، جهت‌گیری مثبت حل مسئله (۰/۶۳)، جهت‌گیری منفی حل مسئله (۰/۷۰) و کل مقیاس (۰/۷۳) است.

ابزار تحقیق جهت سنجش سرمایه فرهنگی مقیاس سرمایه فرهنگی خدادادی و نظری (۲۰۱۲) است. این مقیاس مشتمل بر هشت خرده‌مقیاس خانواده فرهیخته^۲، تعهد فرهنگی^۳، سرمایه‌گذاری فرهنگی^۴، تعهد مذهبی^۵، بازدیدهای فرهنگی^۶، مطالعات ادبی و هنری^۷، درک هنر^۸ و خانواده باسواد^۹ است. این مقیاس دارای ۲۹ سؤال و مبتنی بر روش پنج درجه‌ای لیکرت است. در تحقیق حاضر محاسبه پایایی با استفاده از ضریب آلفا کرونباخ برای خانواده فرهیخته (۰/۶۶)، تعهد فرهنگی (۰/۷۰)، سرمایه‌گذاری فرهنگی (۰/۷۸)، تعهد مذهبی (۰/۸۰)، بازدیدهای فرهنگی (۰/۷۱)، مطالعات ادبی و هنری (۰/۷۳)، درک هنر (۰/۶۳)، خانواده باسواد (۰/۶۹) و کل مقیاس (۰/۸۶) است.

-
1. Impulsivity / carelessness style
 2. Cultured family
 3. Cultural commitment
 4. Cultural investment
 5. Religious commitment
 6. Cultural visits
 7. Literary & art studies
 8. Art appreciation
 9. Literate family

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. یافته‌های توصیفی

بر اساس یافته‌های تحقیق، از مجموع پاسخگویان، ۱۷۵ نفر (۴۹٪) مرد و ۱۸۲ نفر (۵۱٪) زن هستند. ۲۸۴ نفر (۷۹/۶٪) دانشجوی دوره کارشناسی و ۷۳ نفر (۲۰/۴٪) دانشجوی دوره کارشناسی ارشد هستند. به لحاظ تعلق دانشکده‌ای، ۸۵ نفر (۲۳/۸٪) متعلق به دانشکده علوم انسانی، ۹۸ نفر (۲۸/۵٪) دانشکده علوم پایه، ۸۸ نفر (۲۴/۶٪) دانشکده کشاورزی و ۸۶ نفر (۲۴/۱٪) متعلق به دانشکده فنی مهندسی هستند. به لحاظ سنی، میانگین سنی پاسخگویان ۲۲/۸ سال با انحراف معیار ۲/۷ است و بالاخره به لحاظ وضعیت تحصیلی، میانگین معدل پاسخگویان ۱۵/۳ با انحراف معیار ۱/۷ است.

میانگین، انحراف استاندارد، کمترین و بیشترین نمرات مهارت حل مسئله و سرمایه فرهنگی دانشجویان در جدول ۱ انعکاس یافته است. بر اساس داده‌های این جدول، نمرات مقیاس مهارت حل مسئله کمی بیش از میانگین واقعی مقیاس (۵۰) است و نمرات مقیاس سرمایه فرهنگی دقیقاً در نقطه میانگین واقعی مقیاس (۵۸) قرار دارد.

جدول ۱. وضعیت دانشجویان در مقیاس‌های مهارت حل مسئله و سرمایه فرهنگی

مقیاس	تعداد	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف استاندارد
مهارت حل مسئله	۳۵۷	۱۷	۷۱	۵۱/۱	۸/۱
سبک منطقی	۳۵۷	۲	۲۲	۱۲/۶	۳/۳
جهت‌گیری مثبت	۳۵۷	۲	۹	۵/۸	۱/۶
جهت‌گیری اجتنابی	۳۵۷	۲	۱۶	۱۲/۳	۲/۷
جهت‌گیری تکانشی	۳۵۷	۲	۱۹	۱۱/۲	۲/۴
سبک منفی	۳۵۷	۴	۱۹	۹/۲	۲/۲
سرمایه فرهنگی	۳۵۷	۱۹	۹۹	۵۸/۲	۱۵/۱
خانواده فرهیخته	۳۵۷	۳	۲۰	۱۳/۱	۳/۵
تعهد فرهنگی	۳۵۷	۱	۲۳	۱۲/۳	۴/۲
سرمایه‌گذاری فرهنگی	۳۵۷	۰	۱۶	۸/۱	۱/۴
تعهد مذهبی	۳۵۷	۰	۱۶	۶/۷	۳/۶
بازدیدهای فرهنگی	۳۵۷	۰	۸	۳/۷	۲
مطالعات ادبی و هنری	۳۵۷	۰	۱۲	۵/۵	۳
درک هنر	۳۵۷	۱	۱۲	۶/۹	۲/۴
خانواده باسواد	۳۵۷	۰	۸	۱/۹	۱/۸

با توجه به تعداد متغیرهای تحقیق، ماتریس همبستگی متغیرها در جدول ۲ ارائه شده است. بر اساس داده‌های این جدول، همبستگی مثبت و معناداری بین سرمایه فرهنگی و مهارت حل مسئله وجود دارد که در فاصله اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. بررسی روابط بین خرده مقیاس هر دو سازه نیز بیانگر آن است که خرده مقیاس خانواده فرهیخته رابطه مثبت و معناداری با کلیه خرده مقیاس‌های سازه مهارت حل مسئله دارد. خرده مقیاس سرمایه گذاری فرهنگی رابطه مثبت و معناداری با کلیه خرده مقیاس‌های سازه مهارت حل مسئله به استثنای سبک اجتنابی حل مسئله دارد. خرده مقیاس تعهد فرهنگی نیز رابطه مثبت و معناداری با کلیه خرده مقیاس‌های مهارت حل مسئله، به جز سبک اجتنابی حل مسئله دارد. تعهد مذهبی به عنوان دیگر خرده مقیاس سرمایه فرهنگی رابطه مثبت و معناداری با تمام خرده مقیاس‌های مهارت حل مسئله به استثنای جهت گیری منفی حل مسئله نشان می‌دهد. خرده مقیاس باز دیدهای فرهنگی رابطه مثبت و معناداری با سبک منطقی حل مسئله، جهت گیری اجتنابی و جهت گیری تکانشی دارد و با سایر خرده مقیاس‌های مهارت حل مسئله رابطه ندارد. خرده مقیاس مطالعات ادبی و هنری رابطه مثبت و معناداری با کلیه خرده مقیاس‌های مهارت حل مسئله به جز جهت گیری اجتنابی حل مسئله نشان می‌دهد. خرده مقیاس درک هنر رابطه مثبت و معناداری با خرده مقیاس‌های سبک منطقی حل مسئله، جهت گیری تکانشی و جهت گیری منفی دارد و با جهت گیری مثبت و جهت گیری اجتنابی رابطه ندارد. خرده مقیاس خانواده فرهنگی رابطه مثبت و معناداری با تمامی خرده مقیاس‌های مهارت حل مسئله دارد.

جدول ۲. ماتریس همبستگی متغیرهای تحقیق

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
															مهارت حل مسئله
														** ۰/۴۱	سرمایه فرهنگی
													** ۰/۳۲	** ۰/۸۴	سبک منطقی
												** ۰/۳۹	** ۰/۲۰	** ۰/۵۶	جهت گیری مثبت
											** ۰/۱۶	** ۰/۴۴	* ۰/۱۴	** ۰/۵۶	جهت گیری اجتنابی
									-	** ۰/۲۶	** ۰/۴۱	** ۰/۴۹	** ۰/۳۹	** ۰/۷۴	جهت گیری تکانشی

ادامه جدول ۲

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
								-	**		**	**	**	**	جهت‌گیری منفی
								**	**	*	*	*	**	**	خانواده فرهیخته
						-	**	**	**		**	**	**	**	سرمایه‌گذاری فرهنگی
					-	**	**	**	**		**	**	**	**	تعهد فرهنگی
				-	**	**	**		*	*	*	**	**	**	تعهد مذهبی
			-	**	**	**	**	۰/۰۳	-۰/۱۷	-۰/۱۲	-۰/۱۱	-۰/۳۱	-۰/۵۲	-۰/۲۱	بازدید فرهنگی
			**	**	**	**	**	**	**	*	*	**	**	**	مطالعات ادبی هنری
		-	**	**	**	**	**	**	**	*	*	**	**	**	درک هنر
	-	**	**	**	**	**	**	**	**	*	*	**	**	**	خانواده باسواد
-	**	**	*	**	**	**	**	*	*	*	*	**	**	**	

** همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنادار است.

* همبستگی در سطح ۰/۰۵ معنادار است.

۴-۲. یافته‌های استنباطی

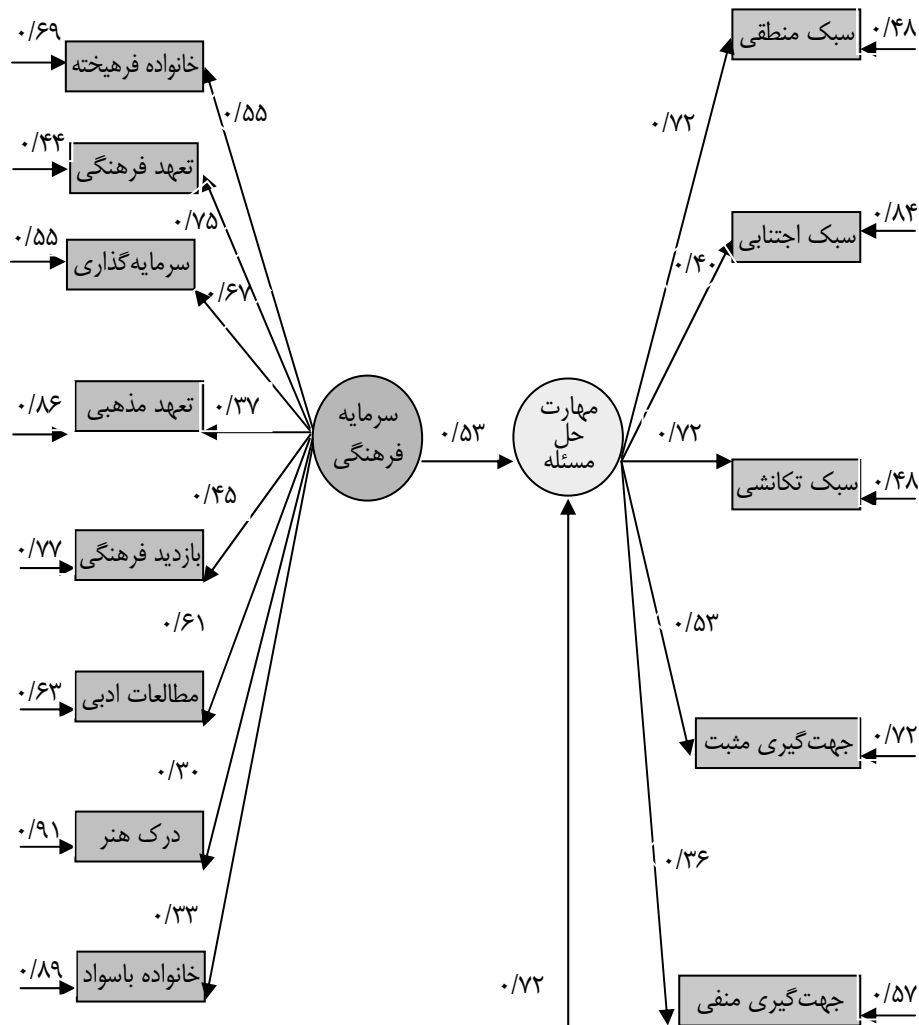
جهت پیش‌بینی مهارت حل مسئله به‌عنوان متغیر وابسته پنهان، بر اساس سرمایه فرهنگی به‌عنوان متغیر مستقل پنهان، از مدل معادلات ساختاری^۱ به کمک نرم‌افزار لیزرل^۲ استفاده شده است. در این مدل، مهارت حل مسئله، با استفاده از پنج متغیر آشکار سبک منطقی حل مسئله، سبک اجتنابی حل مسئله، سبک تکانشی حل مسئله، جهت‌گیری مثبت حل مسئله و جهت‌گیری منفی حل مسئله تعریف شده است و سرمایه فرهنگی بر اساس هشت متغیر آشکار خانواده فرهیخته، تعهد فرهنگی، سرمایه‌گذاری فرهنگی، تعهد مذهبی، بازدیدهای فرهنگی، مطالعات ادبی و هنری، درک هنر و خانواده باسواد، تعریف شده است که بارهای عاملی متغیرهای مشاهده شده با متغیرهای پنهان و خطای اندازه‌گیری هر یک از متغیرهای مشاهده شده، در نمودار ۱ ارائه شده است.

1. Structural equation model

2. Lisrel

بررسی نیکویی برازش نشان می‌دهد: مقدار کای اسکوئر (۱۷۰/۴) با درجه آزادی (۶۴) به لحاظ آماری معنادار است ($Sig=0/000$) اما شاخص قدرتمند ریشه میانگین مربعات خطای برآورد^۱ (۰/۰۶۸) بیانگر آن است که مدل دارای برازش مناسبی است و با داده‌های تجربی مورد استفاده، سازگاری و توافق دارد. براساس نتایج به دست آمده، برآورد خطا برای متغیر آشکار سبک منطقی حل مسئله (۰/۴۸)، سبک اجتنابی حل مسئله (۰/۸۴)، سبک تکانشی حل مسئله (۰/۴۸)، جهت‌گیری مثبت حل مسئله (۰/۷۲) و جهت‌گیری منفی حل مسئله (۰/۵۷) است. به علاوه، مقدار خطا برای متغیر آشکار خانواده فرهیخته (۰/۶۹)، تعهد فرهنگی (۰/۴۴)، سرمایه‌گذاری فرهنگی (۰/۵۵)، تعهد مذهبی (۰/۸۶)، بازندهای فرهنگی (۰/۷۷)، مطالعات ادبی و هنری (۰/۶۳)، درک هنر (۰/۹۱) و خانواده باسواد (۰/۸۹) است. بار عاملی متغیر پنهان وابسته مهارت حل مسئله با بعد سبک منطقی حل مسئله (۰/۷۲)، سبک اجتنابی حل مسئله (۰/۴۰)، سبک تکانشی حل مسئله (۰/۷۲)، جهت‌گیری مثبت حل مسئله (۰/۵۳) و جهت‌گیری منفی حل مسئله (۰/۳۶) است. از سوی دیگر بار عاملی متغیر مستقل پنهان سرمایه فرهنگی با بعد خانواده فرهیخته (۰/۵۵)، تعهد فرهنگی (۰/۷۵)، سرمایه‌گذاری فرهنگی (۰/۶۷)، تعهد مذهبی (۰/۳۷)، بازندهای فرهنگی (۰/۴۵)، مطالعات ادبی و هنری (۰/۶۱)، درک هنر (۰/۳۰) و خانواده باسواد (۰/۳۳) است که با توجه به مقادیر t که همگی بزرگ‌تر از ۱/۹۶ هستند، هیچ یک از بارهای عاملی رد نمی‌شود. به علاوه، با توجه به اینکه کلیه بارهای عاملی بزرگ‌تر از ۰/۳۰ هستند، این امر نشان می‌دهد روابط متغیرهای پنهان با متغیرهای مشاهده شده، با اهمیت هستند. ضریب علی سرمایه فرهنگی بر روی مهارت حل مسئله (۰/۵۳) است که با توجه به مقدار تی ($t=7/5$) این ضریب، معنادار است و نشان می‌دهد که به ازای هر واحد تغییر در سرمایه فرهنگی، به چه میزان در مهارت حل مسئله، تغییر به وجود می‌آید. میزان خطای متغیر وابسته پنهان مهارت حل مسئله برابر با (۰/۷۲) است که نشان می‌دهد سرمایه فرهنگی قادر است ۲۸ درصد از تغییرات مهارت حل مسئله را تبیین کند.

1. RMSEA



Chi-square= ۱۷۰/۴ Df= ۶۴ P-value= ۰/۰۰۰ RMSEA= ۰/۰۶۸ GFI= ۰/۹۹ AGFI= ۰/۹۶

نمودار ۱. مسیر رابطه سرمایه فرهنگی و مهارت حل مسئله

در تحقیق حاضر متغیرهای زمینه‌ای و جمعیتی (سن، جنس، دوره تحصیلی، دانشکده، معدل تحصیلی) به‌عنوان متغیرهای کنترل در تحقیق وارد و ارتباط آنها با مهارت حل مسئله جهت وضوح بیشتر مدل اصلی تحقیق، مورد بررسی قرار گرفته است. آزمون مقایسه

میانگین‌ها به روش t مستقل نشان داد: میانگین مهارت حل مسئله پسران (۴۷/۵) و دختران (۴۵/۷) است و معناداری مقدار t در فاصله اطمینان ۹۵ درصد ($t=۲/۰۱$, $Sig=۰/۰۴۵$) بیانگر این است که مهارت حل مسئله پسران بیشتر از دختران است. همچنین، آزمون مقایسه میانگین‌ها به روش t مستقل نشان داد که میانگین مهارت حل مسئله دانشجویان کارشناسی (۴۶/۱) و دانشجویان کارشناسی ارشد (۴۸/۶) است و معناداری مقدار t در فاصله اطمینان ۹۹ درصد ($t=۲/۷$, $Sig=۰/۰۰۷$) بیانگر این است که مهارت حل مسئله دانشجویان کارشناسی ارشد بیشتر از دانشجویان کارشناسی است. آزمون مقایسه میانگین‌ها به روش تحلیل واریانس یک طرفه نشان داد: دانشکده‌های مختلف به لحاظ مهارت حل مسئله تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند ($F=۱/۳$, $Sig=۰/۲۷۷$). محاسبه ضریب همبستگی پیرسون بین سن و معدل تحصیلی با مهارت حل مسئله نشان داد که بین سن و مهارت حل مسئله ($r=۰/۰۵۴$, $Sig=۰/۳۴۶$) و نیز بین معدل تحصیلی و مهارت حل مسئله ($Sig=۰/۶۴۰$)، رابطه معناداری وجود ندارد. ($r=۰/۰۲۷$)

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

حل مسئله یک مهارت اساسی برای زندگی در عصر حاضر است که همه افراد به آن نیاز دارند. این مهارت به‌ویژه برای دانشجویان به‌عنوان نخبگان و آینده‌سازان جامعه از اهمیت مضاعفی برخوردار است. بر اساس یافته‌های تحقیق، میانگین نمرات مهارت حل مسئله دانشجویان بر روی دامنه نمرات از صفر تا صد، برابر با ۵۱/۱ است که تنها اندکی از میانگین واقعی (۵۰) بیشتر است. این یافته تحقیق با نتایج پژوهش بیانی و بیانی (۱۳۸۹) که نشان می‌دهند مهارت حل مسئله در بین دانشجویان در سطح متوسط است و نیز پژوهش شهبازی و حیدری (۱۳۹۱) که نشان می‌دهند مهارت حل مسئله در بین دانشجویان پرستاری در سطح پایینی است، منطبق است و آنها را تأیید می‌کند. پایین بودن نمرات خرده‌مقیاس‌های حل مسئله سازنده و کارا (سبک منطقی حل مسئله و جهت‌گیری مثبت به حل مسئله) بیانگر آن است که مهارت حل مسئله در بین دانشجویان باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد. از سوی دیگر یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که میانگین نمرات سرمایه فرهنگی دانشجویان بر روی دامنه نمرات از صفر تا ۱۱۶ برابر با ۵۸/۲ است که دقیقاً برابر با میانگین واقعی (۵۸) است. این یافته تحقیق نیز بیانگر این مطلب است که سرمایه فرهنگی دانشجویان و راهکارهای ارتقای آن باید بیشتر مورد نظر و توجه قرار گیرد.

بر اساس یافته‌های تحقیق، بین سرمایه فرهنگی و مهارت حل مسئله رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و طی آن با افزایش سرمایه فرهنگی، مهارت حل مسئله افزایش می‌یابد. مدل معادله ساختاری بیانگر آن است که سرمایه فرهنگی می‌تواند ۲۸ درصد از تغییرات مهارت حل مسئله را تبیین کند. این یافته تحقیق با مبانی نظری تحقیق مبنی بر این که سرمایه فرهنگی به دلیل افزایش اطلاعات و توانایی شناختی افراد می‌تواند باعث بهبود عملکرد شود (Bourdieu, 1977; Bourdieu, 1986) منطبق است و آن را تأیید می‌کند. بر این اساس، دانشگاه‌ها با انجام سرمایه‌گذاری‌های بیشتر فرهنگی و تلاش در جهت ارتقای سرمایه فرهنگی دانشجویان، می‌توانند به یکی از مهم‌ترین نیازهای دانشجویان یعنی مهارت حل مسئله، کمک کنند و آن را ارتقا بخشند. هنگامی که بیش از ۵۰ درصد دانشجویان در سطح هرگز یا بسیار کم از موزه‌ها و آثار باستانی بازدید می‌کنند، بیش از ۳۳ درصد آنها برنامه مطالعه غیر درسی در ساعات فراغت ندارند، بیش از ۷۰ درصد آنها به‌طور مرتب روزنامه نمی‌خوانند و بیش از ۴۰ درصد آنها در سطح هرگز یا بسیار کم از وب‌سایت‌های خبری بازدید می‌کنند، بیانگر این است که اهتمام دانشگاه‌ها به مقوله فرهنگ باید جدی‌تر شود. در تحقیق حاضر تلاش شد اثر سایر متغیرها بر رابطه متغیرهای اصلی تحقیق، یعنی سرمایه فرهنگی و مهارت حل مسئله، کنترل شود. بر این اساس متغیرهای زمینه‌ای و جمعیتی سن، جنس، دوره تحصیلی، دانشکده، معدل تحصیلی در تحقیق وارد و ارتباط آنها با مهارت حل مسئله بررسی شد. بر اساس یافته‌های تحقیق، دانشکده‌های مختلف به لحاظ مهارت حل مسئله تفاوت معناداری ندارند. به علاوه، سن و معدل تحصیلی نیز تأثیری بر مهارت حل مسئله ندارند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که رابطه معنادار بین سرمایه فرهنگی و مهارت حل مسئله متأثر از سن، معدل و دانشکده محل تحصیل دانشجویان قرار ندارد. اما بر اساس یافته‌های تحقیق، پسران و دختران و نیز دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد به لحاظ مهارت حل مسئله با یکدیگر تفاوت معنادار دارند که لازم است در تفسیر نتایج و نیز تحقیقات آتی مورد توجه قرار گیرند.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

۱. آهنکی، اکرم، علیرضا عابدین و جلیل فتح آبادی (۱۳۸۸). «رابطه بین تیپ‌های شخصیت با سبک‌های حل مسئله در بین کارکنان دانشگاه»، فصلنامه روانشناسی کاربردی، شماره ۴(۱۲): ۴۰-۶۱.
۲. اسلاوین، رابرت، ای. (۱۳۸۹). روانشناسی تربیتی، نظریه و کاربست، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران: نشر روان.
۳. اکبری، مهرداد، فرهاد شقاقی، و مریم بهروزیان (۱۳۹۰). «تأثیر مهارت‌های حل مسئله در اضطراب امتحان دانشجویان»، فصلنامه روانشناسی تحولی: روانشناسان ایرانی، شماره ۲۹: ۷۴-۶۷.
۴. براتی، مجید، حمید اله وردی پور، بابک معینی، عبدالله فرهادی نسب، حسین محبوب و فرزاد جلیلیان (۱۳۹۰). «اثربخشی آموزش مهارت‌های حل مسئله بر کنترل رفتاری درک شده امتناع از سوء مصرف مواد محرک در بین دانشجویان»، فصلنامه دانشکده بهداشت یزد، سال دهم، شماره دوم: ۹۲-۸۱.
۵. بیانی، علی اصغر و علی بیانی (۱۳۸۹). «ویژگی‌های روان‌سنجی فرم کوتاه سیاهه حل مسئله اجتماعی»، مجله روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی، سال ۷، شماره ۲۶: ۱۵۴-۱۴۷.
۶. بیانی، علی اصغر، منصور رنجبر، و علی بیانی (۱۳۹۱). «بررسی رابطه بین توانایی حل مسئله اجتماعی با افسردگی و هراس اجتماعی در دانشجویان»، مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران، دوره ۲۲، شماره ۹۴: ۹۸-۹۱.
۷. چلبی، مسعود (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران: نشر نی.
۸. زارع، حسین، علیرضا پیرخائفی و داود مبینی (۱۳۸۹). «بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های حل مسئله بر ارتقای خلاقیت مهندسين و با توجه به سنخ شخصیتی آنان»، فصلنامه تازه‌های روان‌شناسی صنعتی سازمانی، سال اول، شماره سوم: ۵۶-۴۹.
۹. زراعت، زهرا، علیرضا غفوریان (۱۳۸۸). «اثربخشی آموزش مهارت حل مسئله بر خودپنداره تحصیلی دانشجویان»، مجله راهبردهای آموزش، دوره ۲، شماره ۱: ۲۶-۲۳.
۱۰. سعادت‌مند، زهره (۱۳۸۱). «مقایسه تأثیر روش حل مسئله در دروس اجتماعی و ریاضی بر میزان پیشرفت تحصیلی و نگرش‌های آموزشی»، مجله دانش و پژوهش در علوم تربیتی، ۹(۲): ۳۷-۶۳.
۱۱. سیف، احمد (۱۳۸۶). روان‌شناسی پرورشی نوین، روان‌شناسی یادگیری و آموزش، تهران: نشر دوران.
۱۲. سیفی‌گندمانی، محمدیاسین، فرهاد شقاقی و سارا کلانتری (۱۳۹۰). «اثربخشی برنامه آموزش فلسفه به دانش آموزان دختر بر عزت نفس و توانایی حل مسئله آنها»، فصلنامه روانشناسی کاربردی، شماره ۲(۱۸): ۸۳-۶۶.
۱۳. شهبازی، سارا و محمد حیدری (۱۳۹۱). «تأثیر آموزش الگوی حل مسئله اجتماعی درزیلا و

گولدفراید بر مهارت حل مسئله دانشجویان پرستاری»، نشریه پرستاری ایران، دوره ۲۵، شماره ۷۶: ۹-۱.

ب) منابع لاتین

1. Adams, J. P., Kaczmarczyk, S. (2007). *Improving Problem Solving & Encouraging Creativity*. Coimbra, Portugal .
2. Bourdieu, P. (1977). "Cultural Reproduction and Social Reproduction", Karabel, J. , Halsey, A. H. (Eds.) *Power and Ideology in Education*. New York: Oxford University Pres: 487-511 .
3. Bourdieu, P. (1986). "The Forms of Capital". Richardson, J. (ed.), *Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education*. Greenwood, New York: 241-58 .
4. Bulut, N. (2007). "Relations Between School Psychological Counselors' Life Satisfaction, Strategies Coping with Stress and Negative Automatic Thoughts". *Turkish Psychological Counseling and Guidance Journal*, 27 (3): 1-13 .
5. Burt, K. G. (2005). *Analyzing of the Factors Involved in Technological Problemsolving in a College Technology Education Classroom*. North Carolina State University
6. D'Zurilla, T. J. , Goldfried, M. R. (1971). "Problem Solving and Behavior Modification". *Journal of Abnormal Psychology*, 78: 107-126 .
7. D'Zurilla, T. J. , Nezu, A. M. , Maydeu-Olivares, A. (2004). "Social Problem Solving: Theory and Assessment". In: Chang, E. C. , D'Zurilla, T. J. , Sanna, L. J. (Eds). *Social Problem Solving: Theory, Research, and Training*. Washington, D. C: American Psychological Association: 11-17 .
8. Foshay, R. (2003). *Principles for Teaching Problem Solving*. Indiana: PLATO Learning .
9. Jæger, M. M. (2011). "Does Cultural Capital Really Affect Academic Achievement? New evidence from combined sibling and panel data". *Sociology of Education*, 84: 281-298
10. Jeannotte, M. S. (2003). "Singing Alone? The contribution of cultural capital to social cohesion and sustainable communities". *The International Journal of Cultural Policy*, 9 (1): 35-49 .
11. Lareau, A. , Weininger, E. B. (2003). "Cultural Capital in Education Research, A critical assessment". *Theory and Society*, 32: 567-606 .
12. Mayer, R. E. (1998). "Cognitive, Metacognitive, and Motivational Aspects of Problem solving". *Instructional Science*, 26: 49-63 .
13. Park, S. I., Jang, S. Y. (2010). "Critical Factors Influencing Problem solving Ability in Online Learning Environments". *The SNU Journal of Education Research*, 26: 25-57 .
14. Ritzer, G., Ryan, M. (2011). *The Concise Encyclopedia of Sociology*. West Sussex: Wiley Publishing .
15. Rosenham, D., Seligman, M. E. D. (1989). "Abnormal psychology". *Journal of Health Social Behavior*, 32 (2): 314-321 .
16. Schmerler, K., Perkins, M., Philips, S., Rinehart, T., Townsend, M. (2006). *A Guide to*

Reducing Crime and Disorder Through Problem solving Partnerships. U. S. Department of Justice, Office of Community Oriented Policing Services. Available at: www.cops.usdoj.gov.

17. Slavin, R. E. (2006). Educational Psychology: Theory and practice. New York: Pearson .
18. Sullivan, A. (2007). "Cultural Capital, Cultural knowledge and Ability". Sociological Research Online, 12 (6) .
19. Tezel, A., Gozum, S. (2006). "Comparison of Effects of Nursing Care to Problem Solving Training on Levels of Depressive Symptoms in Post partum Women". Patient Education and Counseling, 63: 64-73
20. Thornton, S. (1996). Club Cultures: Music, Media, and Subcultural Capital. London: Wesleyan Press .
21. Warneck, R. B., Morero, O., Turner, L., Mermelstein, S., Johnson, T. P., Parsons, J. (2001) . "Changes in Self-efficacy and Readiness for Smoking Cessation among Women with High school or Less education". Journal of Health and Social Behavior, 42 (1): 97-100.
22. Weisburd, D., Eck, J. (2008). "What Can Police Do to Reduce Crime, Disorder and fear?". The Annals of the American Academy of Political and Social Sciences, 593: 42-65 .